



حاضر جامعه، آینده اقتصاد سینما را چگونه می‌بینید؟

وقعا سینما در بدترین شرایط خودش قرار دارد، باید به یک برنامه جامع برای احیای سینما اندیشید و حاکمیت باید برای بقای سینما برنامه‌ریزی کند، از سویی نوع پر خورده‌ی که الان در شوراهای پر وله ساخت و پروانه‌نمایش با آثار متقاضی می‌شود، به گونه‌ای است که می‌توان پیش‌بینی کرد که فر دای ما خیلی خیلی سخت‌تر از دیر زمان خواهد بود و این واقعا خطرناک است.

در ابتدای گفت‌وگو به فراهم نشدن امکان ساخت فیلم در ژانر دفاع مقدس اشاره کردید. واقعتش وقتی ساختن فیلم‌های زندگینامه‌ای رایج نبود، شما درباره شهدای دفاع مقدس فیلم ساختید و اکنون که فیلمسازان مختلف چنین رو بگردی دارند و درباره شهدای شاخص انقلاب و دفاع مقدس فیلم و سریال ساخته می‌شود، از آن فاصله گرفته‌اید...

البته که با آن که چندین فیلم و سریال درباره شهدا ساخته شده و به چشم آمده، اینگونه هم نیست که همه درباره شهدا فیلم زندگینامه‌ای بسازند که‌ای کاش همه درباره شهدا فیلم می‌ساختند و من از نتیجه کار همکارم لذت می‌برم... متاسفم که درباره شهدا به نسبت آن چه که باید باشد، فیلم کمتر ساخته می‌شود، جزو آرزوهایم است که بتوانم درباره شهدا فیلم بسازم اما باید شرایط مناسب فراهم شود، البته معتقدم خود شهدا باید بخواهند و آدم را صدا بزنند و اگر چنین شود، این گونه فیلم تحت هر شرایطی ساخته می‌شود، آرزوی منم دوستایم پای کار بیایند و فیلم‌های بیشتری درباره شهدا بسازند و من هم برای شان آرزوی توفیق می‌کنم، اگر کمکی هم از دستم بر بیاید، حتما در خدمت شان هستم.

یادداشت علی‌روئین تن تهیه‌کننده «بانگ زده‌ها» خندیدن به اختلاس‌گران

وقتی قرار بر این شد تا جواد اردکانی عزیز ژانر تازه‌ای را تجربه کند و سینمایی خلاف سینمایی که کار کرده بود، متصور شود، یاعلی‌گفتم تاخنده بر لب این مردم غمگین بنشیند، تا یک دل سیر بخندند، تا تلخی این روزگار تلخ از جودشان کاسته شود... فرمان بودم مردم بخندند، باهم بخندیم نه بر هم، که شروع کار همراه شد با فاجعه ضد خوشحالی و حال به هم زن کرونا، ما از اولین پر وژه‌هایی بودیم که کرونا به جانمان زد، حال‌مان را گرفت، مردم‌مان را غمگین کرد و ما را بغض زده، اما چاره‌ای نبود، هر روز با تست، یاد کتر، با تب‌سنج و با نگرانی، نه می‌توانستیم تعطیل کنیم، نه دل و دماغی برای مردم مانده بود... اما با توکل بر خدا جورفتیم، سخت بود، شاید ناممکن! نمی‌شود وقتی جامعه از ادار است به خنده فکر کرد، با هر مشقتی، فیلم تمام شد، با همان‌هایی که جواد اردکانی می‌خواست که آنها هم با لطف و جان و دل، با ما همراه شده بودند، بعد از ماراتن طلعت‌فرسای فیلمبرداری در ماتم کر و نا، با تعطیلی مملکت، دست نگه داشتیم تا وضع بهتر شود که دست طبیعت نمک‌گر و همان را از ما ستاند و مردم در خنده‌گر و همان، علی‌انصاریان، از دست‌مان رفت، تا به خود بیاییم و رخت عزا از تن بر کنیم، بسیار طول کشید تا فیلم را مهیاسازیم، چون این فیلم کم‌دی، شبیه کم‌دی‌های دیگر نبود، و مسائلی که ناخودآگاه پیش آمد، مثل کوچ سحر قریشی و... و بدتر شدن وضع معیشت مردم، به امر وز رسیدیم که فیلم به اکران رسید، دو سال می‌توانستیم و می‌بایست در جشنواره فجر شرکت کنیم که آنقدر داغ دار و خراب‌علی‌انصاریان بودیم که نکر دیم، شاید اشتباه ما بود یا تصمیمی که نباید می‌گرفتیم را گرفتیم، خود خواسته و به ناراحتی مردم در جشن فجر حضور نداشتیم که الان وقت مردم نیست و الان مردم خسته‌تر از آن‌اند که فیلم کم‌دی ببینند و بخندند، اما مقابل خنده زیبای مردم‌ایم که از ته دل باشد، «بانگ زده‌ها» چه از وقتی که نامش «قوه غذایی» بود، چه وقتی که «آی بی کلاه» شد و چه حال که «بانگ زده‌ها» نام گرفته است، هجو وزیر سوال بردن اختلاس‌گران و مال مردم خورانیست که روزگار این مردم را بدتر از بد کرده‌اند، ما با مردم به ریش این اختلاس‌گران خندیده‌ایم و زیر سوال شان برده‌ایم، خب قطعا آنها خوش‌شان نیامده است و اکران عمومی فیلم «بانگ زده‌ها» به ما ثابت کرد، شوخی با اختلاس‌گران عوقلی هم دارد! اختلاس‌گران از آنچه ما می‌بینیم به ما نزدیک‌ترند، اما ما در «بانگ زده‌ها» به ریش‌شان خندیدیم، امیدوارم مردم کمک کنند تا همیشه ما به ریش اختلاس‌گران بخندیم نه اختلاس‌گران به ریش ما و مردم، خوشحال می‌شویم هر چیزی که مردم را خوشحال کند.

علی‌روئین تن
گرمای ۱۴۰۱

برای ارائه یک بازی خوب نهایت تلاش خود را کرده‌اند...

بر اساس حال و هوای فیلم‌نامه و نقش‌ها همه تلاش خود را به خرج دادیم که به ترکیب درستی از بازیگران برسیم و من هم از این ترکیب راضی هستم، ضمن آن که نقش‌ها، در این فیلم به دیده شدن بازی بازیگران کمک کرده است، به عنوان مثال خیلی از دوستانی که فیلم‌های قبلی زنده‌یاد «علی‌انصاریان» را دیده‌اند، معتقد هستند که او در «بانگ زده‌ها» بهترین بازی‌اش را ارائه کرده است و خودش هم به دوستی گفته بود که تازه راهم را در سینما پیدا کرده‌ام و این راهی است که باید ادامه دهیم ولی متاسفانه اجل مهلت نداد و این بازیگر مردمی و مستعد را خیلی زود از دست دادیم.

برخلاف سینمای دنیا که در آن ژانر کم‌دی دارای جایگاه ویژه‌ای است، در سینمای ایران غالباً کم‌دی به فیلم‌های دست‌پایین و دم‌دستی محدود شده و کم‌تر به فیلم‌های خوش‌ساختی که بر اساس قواعد ژانر ساخته شود و دارای ارزش سینمایی باشد بر می‌خوریم، به بیان دیگر نوعی بی‌اعتباری در سینمای کم‌دی مار خننه کرده... به نظر شما چرا این اتفاق افتاده و این برداشت وجود دارد؟

تصور می‌کنم اکنون نوع کم‌دی‌های ما را ذائقه مسلط بر سینما معلوم می‌کند، به عنوان نمونه «بانگ زده‌ها» نوعی کم‌دی است که با خیلی از فیلم‌های کم‌دی ساخته شده در این سال‌ها متفاوت است و ما چون در ذائقه مخاطب تنوع نداریم و خیلی از طبقات فکری، فرهنگی و اجتماعی دیگر تماشاگر فیلم‌های سینمایی روی پرده نیستند، به آن توفیقی که باید در ارتباط با مخاطب برسد، نمی‌رسد، حسم این است که همچنان آن نوع کم‌دی ساده و سبکی که فقط تماشاگر بباید و بخندد و با آرمش از سینما خارج شود، مورد علاقه است و تافضای غالب بر عرضه و تقاضا چنین باشد، کارهای کم‌دی دارای نگاه و سبک و حرف اجتماعی درست ساخته خواهد شد.

به نظر می‌رسد بنا به دلایل مختلف، موج تبلیغاتی پررنگی برای «بانگ زده‌ها» ایجاد نشده و روی اکران عمومی فیلم به خوبی مانور داده نشده، فیلم حتی تبلیغات تلویزیونی ندارد، علت چیست؟

مشکلی که خیلی از فیلم‌ها با آن دست به گریبان هستند این است که در دوران بعد از کرونا ریزش زیادی در مخاطبان سینما داشتیم، برای برگرداندن مخاطب به سالن سینما باید هم فیلم خوب ساخته شود و هم خوب تبلیغ شود، امروز تبلیغ در شکل محیطی، تلویزیونی و فضای مجازی خیلی گران است و فیلم‌های کمی می‌توانند از پس تأمین هزینه‌های چند میلیاردی تبلیغات بر بیایند، وزارت ارشاد، تلویزیون و نهادهایی که می‌توانند در حوزه تبلیغات به فیلم‌ها کمک کنند، باید وظیفه‌شان را انجام دهند، نه صرفاً برای این که فیلم‌ها بیشتر بفر و شوند، بلکه برای این که وضعیت سینما به صورت کلی لدکی بهتر شود و ما لافاقل بتوانیم به شرایط قبل از کرونا برگردیم، این در حالی است که متأسفانه تلویزیون تبلیغات خیلی از فیلم‌ها را پوشش نمی‌دهد؛ اینجا به بحث هزینه‌اش اشاره نمی‌کنم، مسأله رویکرد تلویزیون است چرا که تبلیغات تلویزیونی فیلم‌های بسیار کمی را از سینمای روز ایران پوشش می‌دهد که گاهی باید ارزشی باشند و یا ربطی به تلویزیون نداشته باشند! وزارت ارشاد و سازمان سینمایی هم ظاهرأ کلاً خودش را کنار کشیده، در حالی که یکی از وظایفش باید این باشد که برای کمک به کلیت سینما، از فیلم‌های در حال اکران حمایت کند تا تماشاگر بیشتری به سالن‌های سینما برگردند اما متأسفانه این وظیفه خیلی روشن و واضح، از سوی آنها هم نادیده گرفته شده و تلاشی برای برقراری این ارتباط دیده نمی‌شود، فیلم ما جزو آن دسته از فیلم‌هایی بود که از آنجا که بودجه آنچنانی برای تبلیغات نداشتیم، با این که می‌دانستیم خودزنی است و اثر خیلی بدی در ادامه اکران خواهد داشت، عمل‌بدون تبلیغ آن را اکران کردیم و متأسفانه هیچ راهی هم تا این لحظه نتوانستیم برای تبلیغ درست فیلم پیدا کنیم! باز هم تکرار می‌کنم تا دیر نشده باید وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات و تلویزیون برای نجات سینما از یک شکست حتمی وارد عمل شوند و هم در مرحله تولید فیلم‌ها و هم در مرحله نمایش، با کمک به تبلیغات فیلم‌ها، از آنها حمایت کنند.

به عنوان یک فیلمساز با توجه به وضعیت اقتصادی حال

مربوط در مبارزه با تکثیر غیر قانونی نسخه فیلم‌های روی پرده حمایت کنند و هم شرایط محیطی سینماها به عنوان محل نمایش عمومی فیلم‌ها باید طوری طراحی شود که امکان فیلم گرفتن در سالن سینما، از روی پرده و سپس انتشار آن فراهم نشود و یک بار برای همیشه جلوی این اتفاقات گرفته شود.

ترکیب بازیگران فیلم هم در بین کارهای شما متفاوت است، چگونه به این ترکیب رسیدید و این بازیگران را انتخاب کردید؟ به خصوص زنده‌یاد «علی‌انصاریان» را در یک نقش خاص و با چهره‌ای متفاوت، به نظر می‌رسد بازیگران «بانگ زده‌ها» که از عوامل جذابیت فیلم هستند،